

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره حمد
موضوع جزئی: فرق رحمن و رحیم - حق در مسئله
تاریخ: ۱۵ آبان ۱۳۹۵
مصادف با: ۵ صفر ۱۴۳۸
جلسه: ۸

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

خلاصه جلسه گذشته

بحث در فرق رحمن و رحیم بود که در آیه بسم الله ذکر شده است، عرض کردیم وجوه مختلفی برای این فرق بیان شده است. وجه اول که تقریباً وجه قابل قبولی است، این بود که رحمن صیغه مبالغه است و به معنای کثرت و بسیاری رحمت و رحیم بر وزن فعلیل صفت مشبیه است و به معنای ثبات و بقاء و دوام نعمت، پس «الله الرحمن» یعنی خدای کثیر الرحمة، «الله الرحیم» یعنی خدای دائم الرحمة، این وجه به نوعی می تواند اشاره به آن وجوه دیگر که برخی ذکر کرده اند هم باشد، یعنی این وجه متضمن آن وجوه هم فی الجمله می باشد.

وجه دوم و بررسی آن

وجه دوم این است که رحمن مختص به دنیا و رحیم مختص با آخرت است، دو شاهد هم برای این ادعا ذکر کرده اند:

۱. یکی اینکه رحیم در برخی از آیات به همراه غفران و توبه آمده است و چون غفران و اثر توبه در آخرت است پس رحیم هم اختصاص به آخرت دارد.

این قابل قبول نیست، همان طور که جلسه گذشته هم عرض کردیم رحیم در مورد دنیا هم در قرآن آمده است «ولانقتلوا انفسکم إن الله بکم رحیم»^۱، این مربوط به دنیا است، یا مثلاً در دعای امام رضا (ع) آمده: «یا رحمن الدنیا و الآخرة و رحیمهما»^۲، پس این وجه هم با آیه و هم با روایت نقض می شود، لذا به نظر می رسد این ادعا قابل قبول نیست.

۲. این که دنیا بر آخرت تقدم دارد، در سلسله‌ی عوالم و نشئات زمانی، یعنی در بین عوالمی که در این عالم می شود تصویر کرد، عالم دنیا، تقدم زمانی دارد بر آخرت، و لذا رحمن مقدماً برای نشئه‌ی مقدم به حسب زمان و رحیم برای مؤخر و نشئه‌ی مؤخر به حسب زمان آمده است، رحمن که مقدم است برای نشئه‌ی زمانی مقدم و رحیم که مؤخر است برای نشئه‌ی زمانی مؤخر آمده است.

این هم قطعاً قابل قبول نیست برای اینکه نسبت اینها به خداوند تبارک و تعالی، نسبت یکسانی است، اینها در عرض هم می باشند، اینگونه نیست که در نسبت آنها به خداوند یکی مقدم باشد و دیگری مؤخر، اگر بخواهیم اینها را در سلسله عوالم در نظر بگیریم خداوند تبارک و تعالی محیط به همه اینها است، و اینگونه نیست که بگوییم یکی از این جهت

۱. سوره‌ی نساء: آیه‌ی ۲۹.
۲. نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۴.

مقدم شود بر دیگری، بله، اگر ما به لحاظ خود مخلوق نگاه کنیم این تقدم و تأخر درست است ولی وقتی می‌خواهد این برای خداوند ذکر شود این عوالم واحد هستند، مگر اینکه بگوییم، الرحمن، مربوط به دنیا، است چون نشئه آن مقدم است و الرحیم مربوط به آخرت است به اعتبار اینکه نشئه آن مؤخر است.

علی ای حال، این وجه که بخواهیم رحمن را مختص به دنیا و رحیم را مختص به آخرت بدانیم نه دلیل قابل اتکایی دارد، بعلاوه تقض هم دارد، هم در آیه و هم در روایت.

وجه سوم و بررسی آن

اینکه بگوییم «رحمن عامّ شامل للمؤمن و الکافر و الجمیع»، یعنی جمیع موجودات، اما رحیم «خاصّ بالمؤمنین» خداوند هم در قرآن می‌فرماید: «بالمؤمنین رثوف رحیم»^۱، کلمه رحیم را در غیر مؤمنین استعمال نکرده است در قرآن، لذا کلمه رحمن شامل همه موجودات عالم می‌شود و رحیم مختص به مؤمنین است، وقتی می‌گوییم همه موجودات یعنی اعم از انسان و حیوان و جماد و نبات، رحیم هم اختصاص به مؤمنین دارد، بعضی هم این وجه را به نحو دیگری تبیین کرده‌اند، و آن این که رحمن «عامّ للکافر و المؤمن» و دیگر جمیع موجودات را نیاوریم و رحیم «مختصّ بالمؤمنین».

اینکه می‌گوید: رحمن «عامّ للجمیع» و رحیم مختص به مؤمنین است، ما باید دقیقاً معلوم کنیم که منظور چه چیزی می‌باشد، این رحمت رحمانیه و رحمت رحیمی، دقیقاً چه فرقی دارد؟ اگر مقصود همان است که در وجه اول گفته شد که رحمت رحمانیه یعنی کثرت رحمت و رحمت رحیمی، یعنی دوام رحمت، اگر مقصود آن است باید بگوییم اشرف مصادیق آن مؤمنین هستند ولی منحصر در مؤمنین نیست، یعنی انسانهای مؤمن فقط مشمول این رحمت نیستند چه بسا موجودات دیگری هم هستند که دوام و ثبات رحمت نسبت به آنها وجود دارد، لذا «بالمؤمنین رثوف رحیم» که مورد استشهاد قرار گرفته، در واقع کأن اشرف افراد را بیان کرده است، و اگر در جایی اشرف و افضل افراد ذکر شد این دلالت بر نفی آن نسبت به مابقی نمی‌کند، لذا این وجه تا حدودی ابهام و اجمال دارد، یحتمل به وجه اول برگردد و یحتمل به وجه دیگری که بعضی گفته‌اند بتوانیم برگردانیم، یعنی وجه چهارم.

وجه چهارم

وجه چهارم در واقع این است که رحمن، رحمتی است که شامل هر نیازمندی به خداوند می‌شود، نیاز چه در انسان باشد چه در غیر انسان، یعنی حیوان، جماد، نبات، همه فقر دارند و محتاج به خدا هستند، هرکدام از این موجودات هم از حیث نیاز دارای مراتبی هستند، فقر موجودات عالم در همه انواع خود ذومراتب است، آنوقت خداوند که می‌فرماید: «رحمتی وسعت کل شیء» یعنی خداوند تبارک و تعالی، نیاز هر نیازمندی و فقر هر فقیری اعم از نباتات، حیوانات، جمادات، انسانها، حتی مجردات، را برآورده می‌کند، اما رحیم به نوعی افاضه‌ای است که خداوند در این عالم دارد و اثری که بر آن مترتب است در آخرت و آن هم نظام تشریح است، رحمن، یعنی آن که خداوند تنظیم عالم تکوین

^۱ . سوره‌ی توبه: آیه‌ی ۱۲۸.

می‌کند به نحو احسن، یعنی کل این عالم را، همه ممکنات از مجردات و عقول گرفته تا پایین‌ترین و ضعیف‌ترین موجودات این عالم، اینها بر اساس یک نظامی اداره می‌شوند که نظام تکوین است، که احسن خلق هم دارند، بهترین نظام هستی و نظام تکوین، این خودش مصداق رحمت خداوند است، الرحمن یعنی خدایی که این عالم را به بهترین وجه خلق کرده و مشغول افاضه وجود به همه این عالم است، همه این عالم هر لحظه محتاج خدا است و اگر آنی و کمتر از آنی این افاضه و سریان وجود قطع شود نظام عالم از بین می‌رود، خود این نظام بر اساس رحمت اداره می‌شود، وجودات همه رحمت هستند، هر موجودی رحمت است،

رحیم هم یعنی آن که برای هدایت و به سعادت رساندن انسانها خداوند تبارک و تعالی، دین را توسط پیامبران برای بشر عرضه کرده است، این هم برای همه عرضه می‌شود.

پس اجمالاً طبق این بیان رحیم در واقع مربوط می‌شود به آن رحمتی که خداوند در دنیا نسبت به خلق کرده است با تشریح و در آخرت هم برای آن پاداش قرار داده است، رحیم طبق این معنا در دنیا مختص مؤمنین نیست، اصلاً خود نظام تشریح یعنی فراهم کردن ابزار هدایت و سعادت و قرار دادن آن در دست بشر، این یک رحمت است، در اینجا هم باز خصوص مؤمنین مد نظر نیستند، این برای کفار هم عرضه شده است، برای همه است، یعنی در واقع این برای نوع انسان است، حال اگر کسی از این ابزار بهره بگیرد، اثرش در آخرت برای او با پاداش و قرب و سکُنای در منازل خاص و مراتب خاص خواهد بود و اگر کسی از این بهره نگیرد برای خودش خسران به وجود می‌آید.

پس خلاصه وجه چهارم این است که رحمت رحمانیه اشاره به نظام تکوین دارد، خدایی که نظام تکوین را یعنی ماسوی الله را، عالم ممکنات را به بهترین وجه ممکن خلق کرده و هر لحظه در حال رفع نیاز همه موجودات این عالم است و همه آنها به شدت فقیر و محتاج هستند، این می‌شود «رحمتی وسعت کل شیء»، رحیم هم، همان تنظیم تشریح و اثری است که مترتب شده بر این تشریح، تنظیم تشریح و آوردن تشریح مختص مؤمنین نیست بلکه برای همه است، ولی اثر آن برای مؤمنین در آخرت ظاهر می‌شود، پس رحیم مختص به آخرت نیست بلکه هم در دنیا است و هم در آخرت، و معنایش این است که خداوند راه هدایت و سعادت را برای همه فراهم کرده است، آنها نه فقط با تشریح، بلکه با نور فطرت و تشریح، از یک طرف در وجود انسانها فطرت قرار داده، فطرت انسان تمایل به کمال مطلق دارد، تمایل به خدا دارد، تمایل به خیلی از اموری که از جلوه‌های وجود حق تعالی است دارد، به علاوه عقل دارد که رسول باطنی است، یعنی فطرت و عقل به عنوان خمیرمایه و بن‌مایه‌ی آغاز حرکت به سوی سعادت به علاوه‌ی ابراز بیرونی هدایت، یعنی ارسال رسل، انزال کتب و ادیان الهی و در یک کلمه تشریح که خداوند در همه اعصار داشته است، یعنی همه ابزار را برای بشر فراهم کرده است، فطرت و عقل را همه دارند، بله، در یک محیط‌هایی ممکن است این فطرت غبار بر آن بنشیند، عقل از آن هویت خود فاصله بگیرد، همه انسانها در وجودشان فطرت دارند، همه انسانها این رسول باطنی را دارند، پیامبران هم که دعوتشان عمومی است منتهی بعضی این دعوت را پذیرا می‌شدند و بعضی نمی‌شدند، کتابهای

آسمانی برای همه است، ارسال رسل برای همه است، بر این اساس آنوقت نمی‌توانیم بگوییم رحیم مختص به مؤمنین است، رحیمیت خداوند یعنی خدایی که در درون بشر فطرتی قرار داد که راهنمای او به سوی سعادت باشد، فطرت بشر از ظلم بدش می‌آید، فطرت بشر از بدی گریزان است، فطرت بشر خداخواه است، اینها همه آن چراغ درونی انسان است و در بیرون همه نقشه راه به ما داده است. پیامبران، کتب آسمانی، برای همه می‌باشد، و مختص به مؤمنین نیست، مگر کفار کتب آسمانی را ندیده‌اند، مگر دعوت انبیاء را ندیدند، منتهی فریب لهُو و لعب و زینت حیات دنیا را خوردند، آنوقت ثمره‌ی هدایت و عدم هدایت، سعادت و شقاوت، علاوه بر دنیا در آخرت هم ظاهر می‌شود، آنوقت آن ثمره و اثری که هدایت و سعادت دارد و آرامش و امنیت و سکنا در جوار قرب رحمت الهی، این خاص مؤمنین است البته با مراتبی که دارد و کسانی که از این راه فاصله بگیرند قهراً کیفر سختی در انتظار آنها است، پس نباید رحیم مختص به مؤمنین کنیم.

این وجه وجه قابل قبولی است هرچند احتمالات دیگری هم می‌توان در اینجا ذکر کرد.

خلاصه

مجموعاً چهار احتمال در فرق بین رحمن و رحیم گفته شد:

یکی اینکه رحمن به معنای «کثیر الرحمة» باشد و رحیم به معنای «دائم الرحمة» به استناد وضع فعلا و فعل، دوم اینکه رحمن مختص دنیا باشد و رحیم مختص به آخرت، سوم اینکه رحمن «عام» و شامل لجمیع الموجودات» و رحیم «مختص بالمؤمنین» یا رحمن عام شامل الکافر و المؤمن و رحیم مختص مؤمنین، و چهارم اینکه اساساً رحمن به معنای همین افاضه‌ای که خداوند در عالم وجود دارد، نسبت به همه موجودات این عالم و رحیم یعنی تنظیم نظام تشریح برای سعادت و نیز فطرت و رسول باطنی که در وجود همه انسانها قرار داده شده است،

حق در مسئله

این وجه به نظر بنده از سایر وجوه بهتر می‌باشد، وجه اول را علامه در المیزان ذکر کرده‌اند و به تبع ایشان بعضی از شاگردان ایشان هم این را اختیار کرده‌اند، اما این وجه اخیر وجهی هست که از برخی از کلمات بر می‌آید و شاید به نوعی بتوان گفت امام (ره) اشاره‌ای به این وجه دارد، امام به این شکل نگفته‌اند ولی این وجه تلفیقی است از آنچه که امام و بعضی دیگر گفته‌اند، به نظر می‌رسد این وجه از حیث مناسبت در شروع قرآن و شروع سوره حمد اولی باشد، ما خدا را می‌خوانیم به دو صفتی که می‌گوییم عام است، گفتیم اینها اعم صفات الهی هستند، یکی رحمت رحمانیه است و یکی رحمت رحیمیه، رحمت عام‌ترین اسم خداوند و همه صفات و اَسْمَاء دیگر به این بر می‌گردد، یعنی همه چیز این عالم، رحمن یعنی این عالم وجود، خدایی که افاضه دارد به این عالم وجود و همه موجودات این عالم در همه عوالم، یعنی همه ممکنات، و اگر این رحمت نباشد، هیچ ذره‌ای در هیچ لحظه‌ای نمی‌تواند و اصلاً وجود داشته باشد، طبق این

نگاه همه وجودات می‌شوند رحمت الهی، و رحیم هم یعنی آنچه خدا برای ما فراهم کرده برای سعادت از فطرت و عقل گرفته تا نظام تشریح.

اشکال

فقط یک اشکال می‌ماند، که شرور در این دیدگاه چگونه تفسیر می‌شوند، بعضی چیزها شر هستند، وقتی می‌گوییم «رحمتی وسعت کل شیء»، همه موجودات این عالم رحمت هستند، پس این همه شرور در این عالم چگونه توجیه می‌شود؟

علی ای حال، رحمن به عنوان یک وصفی و اسمی از خدا است که همه این عالم را در بر می‌گیرد، و رحیم، یعنی خداوند یک نظام تشریح را هم در کنار این دارد که دایره آن اخص از رحمن است، برای هدایت انسانها به سر منزل سعادت. به نظر ما این وجه از سایر وجوه اولی است، روایاتی هم در اینجا ذیل رحمن و رحیم در تفاسیر روایی آمده که ان شاء الله بعداً به آنها اشاره می‌کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»